



A study of the narration of "Safwat hazal ketaab" (Selected of this book) in the interpretation of Thalabi and Shiite sources*

Hossein Khakpour¹

Gholamreza Razavidoost²

Sadigheh Chahkandi³

Abstract

Imam Ali (AS) is the foremost commentator and is a leader in interpreting the verses of the Qur'an compared to other companions. We have received many narrations from him in the interpretation of the Qur'an. One of these narrations is a hadith that has been quoted in explaining the intentions of the syllables, and it is known as the hadith "Safwat hazal ketaab" "Selected of this book of alphabetical letters"⁴. Thalabi, a prominent Sunni commentator, quotes this hadith in his commentary and bases his point of view on it. Most Shiite commentators and narrators have also quoted this hadith from Imam Ali (as). The purpose of the present study is to make a comparative study of this hadith in the interpretation of Thalabi with Shiite sources and also to find the differences and the main source of the narration. The present article, in a descriptive-analytical method with a comparative approach, examines the narration of "Safwat hazal ketaab" "selected of this book of alphabetical letters" in "Al-Kashf Wal-Bayan" and compares it with Shiite sources. Findings and results of the research show that this hadith has not been quoted in any of the Shiite sources with a Shiite document and all the narrations reach the narrations of the "Sunnis" in different ways. Some commentators have quoted it directly from Sunni narrators and some have quoted it from other Shiite commentators or narrators from the Sunnites. Tabarsi, Howeizi, Feyz Kashani and some others have mentioned the hadith directly and often with the phrase "Sunnites, narrated". Amoli, Boroujerdi, Isfahani, etc. have narrated the hadith through Tabarsi or others.

Keywords: Imam Ali (AS), Mysterious Letters, Safwa, Thalabi.

*. **Date of receiving:** 17 February 2020, **Date of approval:** 28 August 2019.

1. Associate Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Sistan and Baluchestan University (Corresponding Author): dr.khakpour@theo.usb.ac.ir.

2. PhD student in Quran and Hadith, Sistan and Baluchestan University: r.razavi@theo.usb.ac.ir.

3. Master of Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Sistan and Baluchestan University: baran.chahkandi@gmail.com.

4. Read the alphabet letters by letter.



بررسی روایت «صفوة هذا الكتاب» در تفسیر ثعلبی و منابع شیعه*

حسین خاکپور^۱ و غلامرضا رضوی دوست^۲ و صدیقه چهکندی^۳

چکیده

امام علی (علیه السلام)، سرآمد مفسران و نسبت به دیگر صحابه، پیشتاز در تفسیر آیات قرآن هستند. روایات بسیاری از ایشان در تفسیر قرآن به دست ما رسیده است. از جمله این روایات، حدیثی است که در تبیین مقاصد حروف مقطعه نقل شده که به حدیث «صفوة هذا الكتاب حروف التهجي» معروف شده است. ثعلبی مفسر بلندآوازه اهل سنت این حدیث را در تفسیر خود نقل نموده و دیدگاه خویش را بر آن استوار می‌کند. غالب مفسران و محدثان شیعه نیز این حدیث را از امام علی (علیه السلام) نقل کرده‌اند. هدف پژوهش پیش‌رو، بررسی تطبیقی این حدیث در تفسیر ثعلبی با منابع شیعه و یافتن اختلافات و مصدر اصلی روایت است. مقاله حاضر به روش توصیفی - تحلیلی با رویکرد تطبیقی به بررسی روایت «صفوة هذا الكتاب حروف التهجي» در «الكشف و البيان» و تطبیق آن با منابع شیعه پرداخته است. یافته‌ها و نتایج تحقیق نشان می‌دهد حدیث در هیچ‌کدام از منابع شیعه به سند شیعی نقل نشده است و تمامی نقل‌ها به شیوه‌های گوناگون به روایات «عامه» می‌رسد. برخی از مفسران آن را به صورت مستقیم و برخی با واسطه از سایر مفسران یا محدثان شیعه از اهل سنت بیان نموده‌اند. طبرسی، حویزی، فیض کاشانی و برخی دیگر مستقیم و غالباً با عبارت «روت العامة» حدیث را ذکر کرده‌اند. آملی، بروجردی و اصفهانی و ... حدیث را با واسطه طبرسی یا دیگران نقل نموده‌اند.

واژگان کلیدی: امام علی (علیه السلام)، روایت، حروف مقطعه، صفوة، تفسیر ثعلبی، منابع شیعی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۸ و تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۶.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول): dr.khakpour@theo.usb.ac.ir.

۲. مربی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان: r.razavi@theo.usb.ac.ir.

۳. کارشناس ارشد علوم حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان: baran.chahkandi@gmail.com.



مقدمه

ابواسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم ثعلبی نیشابوری، معروف به ثعلبی از مفسران بلندآوازه اهل سنت در قرن سوم هجری است. می‌توان از ویژگی‌های تفسیر ثعلبی، به گستردگی آن در بهره‌گیری از لغت، ادبیات و وجوه قرائت و احاطه داشتن به کلام سلف، فراوانی حدیث و صحت نقل اشاره کرد (کیوان نژاد نجف‌آبادی، «روش تفسیری ثعلبی در کشف البیان»، ۱۳۹۴: ۱۳۷/۸۸). روش تفسیری ثعلبی، روایی بوده و فضایل اهل بیت علیهم‌السلام را نقل نموده و در برخی موارد موافق دیدگاه آن بزرگواران بوده است (علوی مهر، آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، ۱۳۸۱: ۲۲۹). بزرگی و عظمت امام علی علیه‌السلام در تفسیر بر کسی پوشیده نیست. ابن ابی‌الحدید می‌گوید: «علم تفسیر از علی علیه‌السلام نشأت گرفت و از او شاخ‌وبرگ پیدا کرد» (ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ۱۴۰۴: ۱۹/۱). آثار به‌جامانده تفسیری از امام علی علیه‌السلام - با وجود فضای اختناق - به حدی است که می‌توان اذعان داشت: جایگاه امام علی علیه‌السلام در تفسیر قرآن، بسی فراتر از سطح سایر صحابه و عالمان به تفسیر بوده و موقعیت انحصاری داشته که هیچ‌کس به آن راه نیافته است. تفسیر ثعلبی از تفاسیر متقدم و بسیار مهم اهل سنت به‌شمار می‌رود که کمتر به آن توجه شده و حجم زیادی از روایات اهل بیت علیهم‌السلام توسط او در کتاب «الکشف و البیان» نقل شده است. مقاله حاضر تلاش می‌کند روایت «صفوة هذا الكتاب حروف التهجی» از امام علی علیه‌السلام را از تفسیر ثعلبی با منابع شیعه تطبیق نماید. این روایت در تفسیر مزبور بدین صورت ذکر شده است: «قال علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام: إن لكل كتاب صفوة و صفوة هذا الكتاب حروف التهجی» (ثعلبی، الکشف و البیان، ۱۴۲۲: ۳۶/۱). از امام علی علیه‌السلام درباره مقاصد حروف آغازین برخی سوره‌ها که به «حروف مقطعه» معروف شده‌اند، مطالبی در منابع اهل سنت نقل شده که در آن‌ها امام به تفسیر و بیان هدف این حروف در حد وسع مخاطب پرداخته است (خاکپور؛ عابدی، «گونه‌ها و روش‌های تفسیر امام علی علیه‌السلام در روایات تفسیری اهل سنت»، ۱۳۹۰: ۲۹/۴۰) که عبارت‌اند از:

الف) نام‌های خداوند؛ در حدیثی منظور از حروف مقطعه، اسامی خداوند معرفی شده است؛ امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «الحروف مقطعه فی القرآن هی اسم الله الاعظم» (ابن عطیه، تفسیر المحرر الوجیز، ۱۹۹۲: ۸۲/۱؛ ثعلبی، الجواهر الحسان، ۱۴۱۶: ۳۰/۱). امام علی علیه‌السلام حروف مقطعه را اسم اعظم خدا دانسته که اگر مردم جمع و تألیف آن را می‌دانستند، هرگاه او را بدان می‌خواندند، اجابت می‌فرمود (ابن الجوزی،

زاد المیسر فی علم التفسیر، ۱۳۸۳: ۲۰/۱). در حدیث دیگر منقول است که امیر مؤمنان علیه السلام در یکی از جنگ‌ها خداوند را با نام «کهیص و حم عسق» می‌خواند (بیضاوی، انوارالتنزیل و اسرارالتأویل، ۱۴۱۶: ۹۳/۱؛ ابن عطیه، تفسیر المحرر الوجیز، ۱۹۹۲: ۳/۴؛ آلوسی، روح المعانی، بی تا، ۱۵/۱۶).

ب) نام‌های پیامبر صلی الله علیه و آله؛ امام علی علیه السلام در حدیثی، «طه» و «یس» را از نام‌های پیامبر می‌داند و می‌فرماید: در قرآن کریم هفت نام برای رسول‌الله صلی الله علیه و آله ذکر شده است که عبارت‌اند از: «محمد»، «احمد»، «طه»، «یس»، «المزمل»، «المدثر»، «عبدالله» (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، بی تا، ۲۸/۲؛ قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ۱۴۰۵: ۵/۱۵).

ج) علامت کلمات؛ در حدیثی امام علیه السلام در معنی «طسم» می‌فرماید: «ط» درخت طوبی، «سین» سدره المنتهی و «میم» محمد است (قندوزی، ینایع الموده لذوی القربی، ۱۴۲۲: ۲۲۳/۱). در حدیث دیگری امام علی علیه السلام از لسان رسول‌الله می‌فرماید: «ط» طور سینا، «سین» اسکندریه و «میم» مکه است (قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ۱۴۰۵: ۵/۱۵).

د) گزیده قرآن؛ گروهی از علمای اهل سنت از امام علی علیه السلام درباره حروف مقطعه نقل کرده‌اند: «ان لكل كتاب صفوة و صفوة هذا الكتاب حروف التهجي: هر کتاب گزیده‌ای دارد و گزیده این کتاب حروف مقطعه‌اند» (بغوی، معالم التنزیل، ۱۴۱۴: ۴۴/۱؛ ابوالسعود، ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم، بی تا، ۲۱/۱). این حدیث در تفسیر ثعلبی نیز نقل شده که پژوهش پیش رو به تحلیل و تطبیق آن با منابع شیعه می‌پردازد.

ه) اسرار الهی؛ امام علیه السلام در تفسیری لطیف این حروف را از اسرار الهی می‌داند و می‌فرماید: «هی سرّ الله فی القرآن» (قرطبی، الجامع الاحکام القرآن، ۱۴۰۵: ۱۵۴/۱؛ شوکانی، فتح القدر الجامع بین الروایه و الدرایه فی علم التفسیر، بی تا، ۲۲/۱)؛ ایشان حروف مقطعه را از اسرار الهی دانسته که جز مشابهاً به شمار می‌روند و علم آن‌ها خاص خدا و راسخان در علم است؛ آن‌گاه می‌افزاید: «دوست ندارم درباره‌اش صحبت کنم، ولی بدان ایمان دارم». به نظر می‌رسد دست‌مایه این دیدگاه - توسط علمای اسلامی - نیز حدیث «صفوة هذا الكتاب» باشد. بر اساس آنچه گذاشت، سؤال اصلی این است که روایت ذکر شده در تفسیر ثعلبی به چه میزان با منابع شیعه تطبیق دارد؟ مقاله و نوشته‌ای مستقل به بررسی روایت «صفوة هذا الكتاب حروف التهجي» پرداخته نشده است؛ اما مقالاتی با مضامین ذیل به رشته تحریر درآمده که برخی مطالب آن می‌تواند سودمند باشد:

حسین صفره در مقاله «بازتاب تفسیر اهل بیت علیهم السلام در منابع اهل سنت» به بررسی روش‌های بازتاب و برخورد با احادیث اهل بیت علیهم السلام در منابع اهل سنت پرداخته است. همچنین خاکپور و عابدی در مقاله



«گونه‌ها و روش‌های تفسیر امام علی (علیه السلام) در روایات تفسیری اهل سنت»، ابتدا روایات تفسیری امام علی (علیه السلام) را استخراج و سپس گونه‌ها و روش‌های آن را بررسی کرده‌اند؛ این مقاله بیانگر آن است که حضرت در سخنان خود، با در نظر گرفتن ظرفیت و فضای حاکم، با روش‌های گوناگون، قرآن را تبیین کرده است. کیوان‌نژاد نیز در مقاله «روش تفسیری ثعلبی در الکشف و البیان» به بررسی روش تفسیری ثعلبی پرداخته است. با توجه به مطالب بیان شده، تحقیق پیش رو دارای رویکردی نو بوده که تاکنون به آن پرداخته نشده است.

تحلیل و تطبیق حدیث با منابع شیعه و شیوه‌های نقل آن

حدیث شریف «إن لكل كتاب صفوة و صفوة هذا الكتاب حروف التهجي» در منابع شیعه به شیوه‌های مختلفی بیان شده است. بررسی این منابع می‌تواند در دستیابی ما به مصدر اصلی حدیث یاری کند و در تحلیل آن بسیار مؤثر باشد. حدیث مزبور در منابع مختلف به دو گونه «نقل با استناد» و «نقل بدون استناد» گزارش شده‌اند که در ادامه به تحلیل و تطبیق آن‌ها در منابع اهل سنت و شیعه پرداخته می‌شود.

۱- نقل با استناد

روایت «صفوة هذا الكتاب حروف التهجي» در منابع شیعه به دو گونه نقل شده است؛ برخی مستقیم از منابع عامه نقل کردند که این گروه به منبع موردنظر استناد نداده‌اند بلکه صرفاً از تعبیر «عامه» برای نقل حدیث استفاده کرده‌اند؛ برخی دیگر کتاب تفسیری «مجمع البیان» یا منبع دیگری از شیعه را به‌عنوان سند در نظر گرفته‌اند و از آن‌ها نقل نموده‌اند.

الف: نقل مستقیم از اهل سنت

برخی از علمای شیعه حدیث «صفوة هذا الكتاب حروف التهجي» را ذکر و بیان نموده‌اند که حدیث را عامه (اهل سنت) روایت کرده‌اند؛ از جمله:

یک: مجمع البیان

طبرسی در «مجمع البیان فی تفسیر القرآن» با تعبیر «روت العامة» (اهل سنت روایت کرده‌اند)، حدیث را از امام علی (علیه السلام) نقل می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ایشان به منابع شیعه ارجاع نداده‌اند. وی می‌فرماید: «روت العامة عن أميرالمؤمنين (علیه السلام) أنه قال إن لكل كتاب صفوة و صفوة هذا الكتاب حروف التهجي» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۱۱۲/۱). مرحوم طبرسی به همین عبارت بسنده نموده و نامی از کتاب‌های اهل سنت نمی‌برد.



دو: البرهان

صاحب تفسیر البرهان در بحث مقاصد حروف مقطعه، آن را به عنوان یک قول به شرح ذیل می آورد: «اختلف العلماء في الحروف المعجمة، المفتحة بها السور، فذهب بعضهم إلى أنها من المتشابهات التي استأثر الله تعالى بعلمها ولا يعلم تأويلها إلا هو وهذا هو المروى عن أمّتنا عليه السلام و روت العامة عن أمير المؤمنين عليه السلام: إن لكل كتاب صفوة و صفوة هذا الكتاب حروف التهجي» (بحرانی، البرهان، ۱۴۱۵: ۱/۱۲۳). بحرانی پس از بیان اینکه علما در مقاصد حروف مقطعه اختلاف کرده اند و برخی معتقد به این هستند که آن ها از متشابهات هستند و خداوند فقط علم به آن ها دارد، می افزاید: این سخن از ائمه اطهار نقل شده است و سپس می گوید: عامه از امام علی عليه السلام روایت کرده اند: برای هر کتابی گزیده ای است و گزیده قرآن حروف تهجی هستند.

ایشان نیز در بیان روایت «لکل کتاب صفوة و هذا صفوة حروف التهجي» از عبارت «روت العامة» استفاده نموده است؛ البته نکته قابل تأمل این است که علامه بحرانی حدیث فوق را در تأیید دیدگاه: «اسرار الهی بودن حروف مقطعه» می آورد؛ در حالی که در تفاسیر اهل سنت «گزیده قرآن بودن حروف مقطعه» غالباً مورد نظر است؛ اما عموم مفسران شیعه، همان نقل بحرانی را ذکر نموده اند.

سه: زبدة التفاسیر

مرحوم کاشانی نیز همانند مرحوم طبرسی با عبارت «روت العامة» روایت را ذکر می کند (کاشانی، زبدة التفاسیر، ۱۴۲۳: ۳۶/۱) و در تفسیر و استناد خود، نامی از کتاب نمی برد.

چهار: التیسیر فی التفسیر القرآن

زبیدی نیز عبارت علامه بحرانی را نقل کرده و با عبارت «روت العامة» از امام علی عليه السلام که حروف مقطعه از اسرار الهی هستند و تأویل آن ها را غیر خداوند نمی داند (زبیدی، التیسیر فی التفسیر القرآن، ۱۴۲۸: ۶۰/۱)؛ او در جای دیگری از تفسیر خود نیز نقل می کند: «اختلف العلماء في الحروف المعجمة، ... روت العامة عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه قال: إن لكل كتاب صفوة، و صفوة هذا الكتاب حروف التهجي» (زبیدی، ۱۴۲۸، ۳۴۹/۵ - ۳۵۰) که در این حدیث نیز واژه «عامه» استفاده شده و به سند شیعه استناد نمی کند.

تا این جا مشخص گردید که حدیث مزبور، سند مستقل شیعی از ائمه اطهار عليهم السلام ندارد و علمای شیعه آن را از اهل سنت نقل کرده اند.

ب: استناد به مجمع البیان

برخی از منابع شیعه حدیث «صفوة هذا الكتاب حروف التهجي» را صرفاً به مجمع البیان طبرسی استناد کرده اند که عبارت اند از:



یک: تفسیر صافی

فیض کاشانی در تفسیر صافی می‌نویسد: «فی المجمع عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه قال لكل كتاب صفوة و صفوة هذا الكتاب حروف التهجي» (فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ۱۴۱۵: ۹۱/۱) که در این عبارت برای استناد خود، تنها به مجمع البیان اکتفا کرده است.

دو: تفسیر نورالثقلین

صاحب تفسیر نور الثقلین با عبارت «فی مجمع البیان اختلف العلماء فی الحروف المعجمة» شروع می‌کند و در ادامه سخن طبرسی را با واژه «روت عامه» به‌طور کامل نقل کرده است (العروسی الحویزی، نورالثقلین، ۱۴۱۵: ۳۰/۱).

سه: المیزان فی تفسیر القرآن

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در استناد خود از هر دو روش استفاده کرده و می‌نویسد: «ما روته أهل السنة عن علی عليه السلام - علی ما فی المجمع - أن لكل كتاب صفوة و صفوة هذا الكتاب حروف التهجي» (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ۹/۱۸). در این عبارت علامه این حدیث را به اهل سنت استناد کرده و نقل از اهل سنت را به مجمع البیان ارجاع می‌دهد.

چهار: المحيط الأعظم و البحر الخضم

آملی صاحب تفسیر «المحيط الأعظم و البحر الخضم» می‌گوید: «قال الطبرسی فی مجمع البیان فی أوّل سورة البقرة: روت العامة عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه قال: إن لكل كتاب صفوة، و صفوة هذا الكتاب حرف التهجي» (ابن علی آملی، المحيط الأعظم و البحر الخضم، ۱۴۲۲: ۴۱۴/۲). آملی نیز روایت را به نقل از طبرسی می‌آورد؛ البته با این تفاوت که فقط قسمت آخر مطلب مجمع البیان را ذکر کرده است.

پنج: مجد البیان

صاحب «مجد البیان فی تفسیر القرآن» می‌نویسد: «فی مجمع البیان و غیره عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه قال: إن لكل كتاب صفوة، و صفوة هذا الكتاب حروف التهجي» (اصفهانى، مجد البیان، ۱۳۶۶: ۳۵۷). در این منبع نیز مانند منابع قبلی «ابن علی آملی» به نقل از مجمع البیان، روایت را بیان کرده است. البته صرفاً می‌افزاید در مجمع البیان و غیره، یعنی اینکه دیگران هم نقل نموده‌اند.

شش: الصراط المستقیم

بروجردی در تفسیر خود با عبارت «فی مجمع البیان...» نشان می‌دهد که استناد حدیث به کتاب مجمع البیان است (بروجردی، الصراط المستقیم، ۱۴۱۶: ۶۳/۴).



هفت: تفسیر من وحی القرآن

صاحب کتاب «من وحی القرآن» می نویسد: «لعل هنا ما روته أهل السنة عن علي (عليه السلام) - علي ما في المجمع - أن لكل كتاب صفوة و صفوة هذا الكتاب حروف التهجي» (فضل الله، من وحی القرآن، ۱۴۱۹: ۱۳۹/۲۰). ایشان نیز همان عبارت علامه طباطبایی را می آورد: اهل سنت از امام علی (علیه السلام) نقل نموده اند برطبق آنچه در مجمع البیان آمده است.

۲- نقل بدون استناد

برخی از منابع شیعه روایت «صفوة هذا الكتاب حروف التهجي» را بدون ذکر نام کتاب یا عبارت «روت العامة» نقل کرده اند که شکل های بیان آن ها به شرح ذیل است:

الف: نقل با عبارت «رُوي»

برخی از تفاسیر در نقل حدیث صرفاً از «روی» استفاده کرده اند که منابع آن ها مشخص نیست؛ آیا از منابع شیعه بهره برده یا صرفاً مراد از «روی»، منابع اهل سنت است. از جمله می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

یک: تفسیر عیاشی

عیاشی در تفسیر خویش در بحث حروف مقطعه می آورد: «قد روی عن أمير المؤمنين (عليه السلام) أنه قال: لكل كتاب صفوة و صفوة هذا الكتاب حروف التهجي» (عیاشی، تفسیر عیاشی، ۱۳۸۰: ۳/۲). او روایت را تنها با واژه «روی» استناد به امام علی (علیه السلام) کرده و منبع آن را نقل نمی کند.

دو: البرهان، صافی و بحار الانوار

در این سه کتاب با بیانی مشابه پس از نقل اقوال پیرامون حروف مقطعه بیان می کنند که درست ترین قول در نزد ما این است که حروف مقطعه از اسرار الهی هستند؛ «أقربها إلى الصواب كما يستفاد من هذه الأخبار و يؤيده آيات الكتاب ما ذهب إليه جمع من محققى علماء الإمامية و بعض المفسران من العامة و هو أن هذه الحروف هي أسرار بين الله و رسوله و رموز لم يقصد بها إفهام غيره و غير الراسخين في العلم من ذريته كما قال تعالى «وَأَخْرَجْنَا مَثَابَهُاتُ» إلى قوله «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» و هذين الخبرين و غيرهما أيضاً يدلان على أنهما من جملة الرموز المفتقرة إلى البيان و قد روی عن أمير المؤمنين (عليه السلام) أنه قال: لكل كتاب صفوة و صفوة هذا الكتاب حروف التهجي» (مجلسی، بحار الانوار، بی تا، ۹۴/۱۹؛ بحرانی، البرهان، ۱۴۱۵: ۳/۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۵۷/۱).



سه: تفسیر القرآن الکریم

صدرالدین شیرازی (ملاصدرا) صاحب تفسیر «القرآن الکریم» پس از بحثی مفصل پیرامون مقاصد حروف مقطعه می‌نویسد: «... روی عن أمير المؤمنين (عليه السلام): إنَّ لكلَّ كتاب صفوة، و صفوة هذه الكتاب حروف التهجي» (صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، ۱۳۶۱: ۲۰۰/۱). ایشان نیز در تفسیر خود به‌طور مبسوط درباره حروف مقطعه سخن می‌گوید و پس از نقل نظرات دیگر اندیشمندان به حدیث «إنَّ لكلَّ كتاب صفوة و صفوة هذه الكتاب حروف التهجي» استناد می‌کند و بر این باور است که نظریه شعبسی مبنی بر ممکن نبودن فهم و مدلول معنای این حروف، مقرون به صحت نمی‌باشد (همان، ۲۰۷/۱-۲۰۸). وی پس از بیان اختلاف مفسران در این بحث می‌گوید: در برخی کتاب‌ها نظراتی بیان شده که قابل پذیرش نیست و قول کسانی که آن را سر خداوند در قرآن دانسته‌اند گویا از روایت امام علی (علیه السلام) اخذ کرده‌اند (همان، ۱۴/۶).

چهار: تفسیر من هدی القرآن

صاحب کتاب «من هدی القرآن» می‌آورد: «روی عن الامام علی (عليه السلام) أنه قال: «ان لكلَّ كتاب صفوة و صفوة هذا الكتاب حروف التهجي» (مدرسی، تفسیر من هدی القرآن، ۱۴۱۹: ۱۰۲/۱). ایشان نیز حدیث را با لفظ «روی» آورده و به‌طور مستقیم از امام علی (علیه السلام) بدون استناد به سندی از منابع شیعه یا اهل سنت، نقل کرده است.

ب: نقل با لفظ «قال الامام»

حدیث «صفوة هذا الكتاب حروف التهجي» در برخی از منابع شیعی با استفاده از عبارت «قال الامام» نقل شده است که می‌توان به «التفسیر الأثری الجامع» از آیت‌الله معرفت اشاره کرد. ایشان می‌نویسد: «قال الإمام علی بن أبي طالب (عليه السلام): إنَّ لكلَّ كتاب صفوة، و صفوة هذا الكتاب حروف التهجي و فسره الآخرون، فقال سعيد بن جبیر: هي أسماء الله مقطعة، لو أحسن الناس تأليفها لعلموا اسم الله الأعظم، ألا ترى أنك تقول: الر و تقول: حم و تقول: ن فيكون الرحمان و كذلك سائرها على هذا الوجه، إلا أننا لا نقدر على وصلها و الجمع بينها» (معرفت، التفسیر الأثری الجامع، ۱۳۸۷: ۱۹۳/۱). در این روایت مرحوم معرفت از لفظ «قال الامام» استفاده کرده و حروف مقطعه، از جمله: «حم» را از اسما اعظم خداوند دانسته که منبع مورد استناد باید مورد بررسی قرار گیرد.

مرحوم معرفت در کتاب «التأويل في مختلف المذاهب والآراء» نیز می‌نویسد: «قال الإمام علی بن أبي طالب (عليه السلام): إنَّ لكلَّ كتاب صفوة و صفوة هذا الكتاب حروف التهجي» (معرفت، التأويل في مختلف المذاهب والآراء، ۱۳۸۵: ۱۸۸/۱) که ایشان در این عبارت نیز از تعبیر «قال الامام» استفاده نموده است.



ج: نقل با عبارت «عن الإمام»

در برخی از منابع شیعه از جمله: تفسیر «الفرقان فی تفسیر القرآن و السنه» با تعبیر «عن الإمام» به نقل حدیث فوق پرداخته است. صاحب تفسیر این تفسیر می‌نویسد: «من المؤکد أن لها معانی لم توضع هی لها فی آیه لغة فلا یعرفها أصحاب اللغات بأسرها، فانما هی رموز خاصة بین الله و رسوله اختص الله بها رسوله بعد عموم سائر القرآن لسائر المكلفین، فهی إذا صفوة القرآن كما عن الامام علی (علیه السلام): إن لكل کتاب صفوة و صفوة هذا کتاب حروف التهجی» (صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن و السنه، ۱۴۰۶: ۱۵۶/۱-۱۵۷). در این روایت تأکید می‌کند: «حروف مقطعه، رمزهایی هستند بین خداوند و رسولش و کسی معنی آن‌ها را نمی‌داند، این حروف گزیده قرآن نیز هستند؛ سپس بدون ذکر سند با عبارت «عن الامام» به‌طور مستقیم به روایت امام علی (علیه السلام) استناد می‌کند.

د: نقل با عبارت «حکی عن»

در برخی از منابع، تعبیر «حکی عن» برای نقل روایت استفاده شده، از جمله: حسینی طباطبایی در تفسیر «فتح البیان فیما روی عن علی من تفسیر القرآن» می‌نویسد: «أما ما حکى عن أمير المؤمنين (علیه السلام) أنه قال: «إن لكل کتاب صفوة و صفوة هذا کتاب حروف التهجی» فإنه لا ینافی تفسیره (علیه السلام) هذه الحروف، بأسماء الله، لأن الصفوة من کل شیء خالصه و مصطفاه، و من القرآن الکریم أسماء الله عز و جل التي هی مفتاح معرفته و وسیلة دعائه و عبادته. قال الله تعالی: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَ ذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (الأعراف / ۱۸۰)» (حسینی طباطبایی، فتح البیان فیما روی عن علی من تفسیر القرآن، ۱۴۲۶: ۶۱/۱). نویسنده تفسیر روایت را از امام علی (علیه السلام) با عبارت «حکی عنه» نقل کرده و سپس به توضیح مقاصد حروف مقطعه می‌پردازد.

بررسی

بررسی‌ها نشان داد حدیث «إن لكل کتاب صفوة و صفوة هذا کتاب حروف التهجی» در منابع شیعه صرفاً به شکل‌های ذیل نقل شده است؛ برخی از مفسران و محدثان مانند: مؤلفان مجمع البیان، البرهان، زبدة التفاسیر و ... به منبع و شخص خاصی ارجاع نداده‌اند، بلکه با عبارت «روت العامه» آن را به اهل سنت ارجاع داده‌اند. پژوهش نشان می‌دهد تفسیر مجمع البیان در این مسئله از بقیه مقدم‌تر است. دسته‌ای دیگر از منابع شیعه، تفسیر مجمع البیان را به‌عنوان سند و مدرک استناد حدیث قرار داده و با واسطه قراردادن مجمع البیان، عین کلام طبرسی را نقل نموده‌اند؛ از جمله این کتاب‌ها می‌توان از تفسیر صافی، نورالثقلین، المیزان، مجد البیان و ... یاد کرد. مجموع این دو گروه نشانگر آن است که حدیث صرفاً از طریق اهل سنت و در کتاب‌های آن‌ها نقل شده است.



این حدیث در برخی از منابع شیعه بدون ذکر نام کتاب و یا عبارت «روت العامه» به شکل‌های دیگری نقل شده است؛ تفسیرهای عیاشی، البرهان، صافی، القرآن العظیم و من هدی القرآن و کتاب بحار الانوار از تعبیر «روی» استفاده کرده‌اند. مرحوم معرفت در کتاب‌های خود از عبارت «قال الامام» و تفسیر الفرقان به شکل «عن الامام» و در پاره‌ای از تفاسیر با ذکر عبارت «حکی عنه» حدیث را نقل کرده‌اند که این تعبیر رساننده اسناد حدیث نمی‌باشند.

پس بنا بر آنچه گذشت می‌توان گفت: استناد حدیث به منابع اهل سنت است. نکته شایان توجه این است که مسئله فوق - یعنی ذکر حدیث از منابع اهل سنت - را نمی‌توان حمل بر ضعف سندی نمود؛ زیرا رویه بسیاری از مفسران، نقل حدیث از منابع و مصادر اهل سنت بوده و حتی دریافت حدیث نیز از این مکتب قابل مشاهده است. نمونه‌های بسیاری در تفاسیر صافی، تیبان و ... از گزارش‌های حدیثی وجود دارد که از منابع اهل سنت بهره برده‌اند. از سوی دیگر حتی اگر ظاهر سند ضعیف دانسته شود، دلالت حدیث نیز باید بررسی گردد. دلالت روایت پیش گفته کاملاً مورد قبول محدثان و مفسران بوده و دارای شهرت روایی است. در بحث تعارض اخبار از نظر شیعه می‌توان به شهرت روایی عمل نمود و در مقام تعارض روایتی که دارای شهرت روایی است را بر روایتی غیر مشهور ترجیح داد. در روایت مورد نظر بحث تعارض مطرح نیست؛ پس به طریق اولی می‌توان آن را پذیرفت و شهرت روایی آن و ذکر روایت و استناد به آن در کتاب‌ها و تفاسیر متعدد شیعه و اهل سنت، جبران ضعف سندی را خواهند داشت.

لازم به ذکر است، شهرت روایی در جایی است که روایان زیادی که تعدادشان به حد تواتر نمی‌رسد حدیثی را در جوامع کتاب‌های روایی نقل کنند و این امر باعث اشتها روایت و استفاضه نقل آن گردد. به بیان دیگر: اگر روایتی از نظر متن، شهرت داشته باشد، یعنی عده زیادی از روایان که شأنشان نقل روایت است، آن را نقل و در جوامع روایی خود ثبت و ضبط کرده باشند، این روایت، شهرت روایی دارد. این بحث در اصول از مباحث پر دامنه است که مجال برای پرداختن به آن نیست و پژوهشگران می‌توانند به آن‌ها مراجعه نمایند. نتیجه بحث اینکه: در تعارض اخبار، شهرت روایی می‌تواند یکی از مرجحات باشد؛ چه رسد به حدیث مزبور که از مسائل تعارضی نبوده و اکثر علما به آن اتفاق نظر دارند و روایت را در کتاب‌های خود نقل کرده و نظریات خود را بر آن استوار نموده‌اند.

نتیجه‌گیری

بررسی‌ها نشان می‌دهد که حدیث «لکل کتاب صفوة و صفوة هذا الكتاب حروف التهجي» در هیچ‌کدام از منابع شیعه به سند شیعی نقل نشده است و تمامی نقل‌ها به شیوه‌های گوناگون به روایات «عامه» می‌رسد. برخی از مفسران آن را به صورت مستقیم و برخی با واسطه سایر مفسران یا محدثان شیعه از اهل سنت بیان نموده‌اند. طبرسی، حویزی، فیض کاشانی و برخی دیگر مستقیم و غالباً با عبارت «روت العامه» حدیث را ذکر کرده‌اند. آملی، بروجردی و اصفهانی و ... حدیث را با واسطه



طبرسی یا دیگران نقل نموده‌اند. بر این اساس حدیث پیش‌گفته در منابع حدیثی و تفسیری شیعه سند مستقلی ندارد؛ افزون بر این در برخی دیگر از منابع شیعی حدیث را با استفاده از واژگانی همچون «قال»، «روی» و «حکی عن» از امام علی علیه السلام نقل نموده‌اند. بنابراین، سند مستقل شیعی برای حدیث فوق یافت نشد؛ اما به لحاظ دلالتی حدیث کاملاً مورد قبول است و دارای شهرت روایی است که ضعف احتمالی سندی را جبران می‌کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن الجوزي، عبدالرحمن بن علي بن محمد، زاد الميسر في علم التفسير، بيروت: مكتبة الاسلامي، ۱۳۸۴ق.
۳. ابن عطية، تفسير المحرر الوجيز، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۹۹۲م.
۴. ابوالسعود العمادي، محمد بن محمد، ارشاد العقل السليم الى مزايا القرآن الكريم، بيروت: دار احياء التراث العربي، بی تا.
۵. اصفهانی، محمدحسین، مجد البيان في تفسير القرآن، قم: مكتبة آية الله مرعشي نجفي، ۱۳۶۶ش.
۶. آلوسی، شهاب الدين محمود، روح المعاني، بيروت: داراحياء التراث العربي، بی تا.
۷. آملی، حيدر بن علی، تفسير المحيط الأعظم و البحر الخضم، قم: نور علی نور، چاپ سوم، ۱۴۲۲ق.
۸. بحرانی، هاشم بن سليمان، البرهان في تفسير القرآن، قم: دارالكتب الاسلامية، ۱۴۱۵ق.
۹. بروجردی، حسین بن رضا، تفسير الصراط المستقيم، قم: مؤسسة انصاريان، ۱۴۱۶ق.
۱۰. بغوی، ابو محمد الحسين بن مسعود، معالم التنزيل، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۱۴ق.
۱۱. بیضاوی، عبدالله بن عمر. انوارالتنزيل و اسرارالتأويل، بيروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
۱۲. ثعالبي، ابوزيد عبد الرحمن بن محمد، الجواهر الحسان، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۱۶ق.
۱۳. حسینی طباطبایي، مصطفی، فتح البيان فيما روى عن علي من تفسير القرآن، حلب: دارالجسور الثقافية، ۱۴۲۶ق.
۱۴. خاکپور، حسین؛ عابدي، احمد، «گونه‌ها و روش‌های تفسیر امام علی (عليه السلام) در روایات تفسیری اهل سنت»، پژوهشنامه علوی، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۰ش.
۱۵. دیاری بیدگلی، محمدتقی، پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر، تهران: سهروردی، ۱۳۸۳ش.
۱۶. زبیدی، ماجد ناصر، التيسير في التفسير للقرآن برواية أهل البيت، بيروت: دارالمحجة البيضاء، ۱۴۲۸ق.
۱۷. سیوطی، جلال‌الدین، اتقان در علوم قرآن، مترجم: طیب حسینی، محمود، قم: دانشکده اصول الدین، ۱۳۹۲ش.
۱۸. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، الاتقان في علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: منشورات شریف الرضی، بی تا.



١٩. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدير الجامع بين الرواية و الدراية فى علم التفسير، بيروت: دارالمعرفة، بی تا.
٢٠. صادقى تهرانى، محمد، الفرقان فى تفسير القرآن بالقرآن و السنة، تهران: فرهنگ اسلامى، چاپ دوم، ١٤٠٦ق.
٢١. صدرالدين شيرازى، محمد بن ابراهيم، تفسير القرآن الكريم، قم: دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦١ش.
٢٢. طباطبايى، محمدحسين، الميزان فى تفسير القرآن، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ١٣٩٠ق.
٢٣. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ١٣٧٢ش.
٢٤. علوى مهر، آشنايى با تاريخ تفسير و مفسران، قم: مركز جهانى علوم اسلامى، ١٣٨١ش.
٢٥. فضل الله، محمدحسين، من وحي القرآن: قم: دارالزهراء، ١٤١٩ق.
٢٦. فيض كاشانى، محمد بن مرتضى، تفسير الصافى، تهران: مكتبة الغدير، ١٤١٥ق.
٢٧. قرطبي، ابو عبدالله بن احمد، الجامع الاحكام القرآن، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٠٥ق.
٢٨. قمى مشهدى، ميرزا محمد، تفسير كنز الدقائق و بحر الرقائب، قم: دارالغدير، ١٣٦٨ش.
٢٩. قندوزى الحنفى، ابراهيم، ينابيع المودة لذوى القربى، تحقيق: سيد على جمال اشرف الحسينى، قم: دارالاسوة، ١٤٢٢ق.
٣٠. كاشانى، فتح الله بن شكر الله، زبدة التفاسير، قم: دارالمعارف الاسلاميه، ١٤٢٣ق.
٣١. كيوان نژاد نجف آبادى، «روش تفسيرى ثعلبى در كشف البيان»، مجله بينات، سال ٢٢، شماره ٤، زمستان ١٣٩٤ش.
٣٢. مجلسى، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، بی تا.
٣٣. مدرسى، محمدتقى، من هدى القرآن، تهران: دارالمحبي الحسين، ١٤١٩ق.
٣٤. مروتى، سهراب، پژوهشى پيرامون تاريخ تفسير قرآن، تهران: نشر رمز، ١٣٨١ش.
٣٥. معرفت، محمدهادى، التأويل فى مختلف المذاهب و الآراء، قم: انتشارات التمهيد، ١٣٨٥ش.
٣٦. معرفت، محمدهادى، التفسير الأثرى الجامع، قم: انتشارات التمهيد، ١٣٨٧ش.
٣٧. ثعلبى، الكشف و البيان، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٢٢ق.